

« موسوی: با قامتی سرافراز گرچه مجروح و حبس کشیده ایستاده ایم

سه شنبه، ۲۵ خرداد، ۱۳۸۹

چکیده: توده های میلیونی ملت بزرگ امروز می بینند که چه کسانی دشمن در دست به دنبال زنان، مردان، پیران و جوانان می دوند و چه کسانی با برخورداری از فرهنگی نازل، در تظاهرات و جمع های عمومی رکیک ترین کلمات و جملات را بر زبان می آورند و مردم به جای اینها، نماهنگ های زیبا ساخته اند و پوستره های پرمعنا به یکدیگر هدیه کرده اند و فیلم ها و عکس های بی شماری از زندگی و مبارزه مردم تهیه و پخش کرده اند و غصه ها و درد های خود را جاودانی کرده اند.

کلمه: میرحسین موسوی به مناسبت سالروز انتخابات ریاست جمهوری بیانیه ای صادر کرد. نخست وزیر ۸ سال کشور در این بیانیه منشوری برای جنبش سبز تدوین نموده که شامل اهداف، راهکار ها و هویت جنبش سبز است و آن را به عنوان متنی پیشنهادی برای جنبش سبز در معرض دید و قضاوت افکار عمومی و صاحب نظران قرار داده است. به گزارش کلمه متن بیانیه ۱۸ و منشور جنبش سبز به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در اولین سال انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با قامتی سرافراز، گرچه شلاق خورده، مجروح و حبس کشیده ایستاده ایم. با مطالباتی برای نیل به آزادی، عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی و مطمئن از پیروزی به یاری حضرت حق، چرا که جز احقاق حق ملت چیزی نخواسته ایم.

«فاما الزید فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فی الارض»

اما کف به کناری رود و از بین رود، اما آنچه به مردم سود می رساند در زمین می ماند.

از دروغ، تخلف و تقلب به کار گرفته شده در انتخابات، سوال «رای من کجاست؟» زاده شد و شما مردم، روشن و بی ابهام به شیوه ای مسالمت آمیز در راهپیمایی تاریخی و بی نظیر ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ این سوال را پر قدرت و بلند فریاد زدید و جز کسانی که جهل و خرافه و منفعت پرستی و دروغ چشم و گوش آنها را بسته بود، در سطح ملی و جهان همه آن را شنیدند و دیدند. ولی پاسخ چه بود؟ جز داغ و درفش و کشتن و به حبس کردن و زنجیر به تن برهنه زندانیان زدن و حمله به خوابگاه های دانشجویی؟

به یقین فجایع کهریزک و آدم کشی های روزهای ۲۵ و ۳۰ خرداد و عاشورای حسینی از خاطره جمعی ملت پاک نخواهد شد و نباید هم پاک شود که خیانت به خون شهدا و بی گناهان است. ما چگونه می توانیم تیرهای مستقیم به مردم و زیر کردن آنها توسط ماشین پلیس را از یاد ببریم.

خون ها و رنج ها اما پرده های فریب و ریای تمامیت خواهان را دریدند و فساد نهادینه شده پشت پرده های قدیس نمایی را نمایان کردند و این رویدادهای تلخ و نحوه تعامل دولتیان با مردم به همه افشار ملت ما از کارگران، معلمان، دانشجویان، روزنامه نگاران، استادان، روحانیون، کارآفرینان، بازاریان، زنان، مردان، جوانان و پیران و همه فعالین جنبش های اجتماعی و افشار مستضعف و میانه نشان داد که ریشه مشکلات آنها در کجاست.

اینکه کشور ما بیشترین اعدام ها را نسبت به جمعیتش در جهان دارد، ناشی از بزهکاری گناهکاران نیست، ناشی از رخت بر بستن عدالت و مدیریت و حکومت خوب در جامعه ماست. و اینکه حتی مصلحت های روزمره و عاجل حکومت باعث نشده است که تمامیت خواهان و دولتیان دست از دروغ و فساد و خرافه و زیر پا نهادن قانون اساسی و سایر قوانین بردارند، نشان از نفوذ عمیق این زشتی ها در لایه های درونی نظام دارد، گویا در این لایه ها ساختی محکم برای دفاع از منافی شکل گرفته است که از عایدی صدها میلیارد دلار درآمد نفتی و واردات سالانه ۷۰ میلیارد دلار کالا و سلطه بر نهادهای پولی و مالی بدون نظارت های موثر نشات می گیرد.

امروز بیت المال در معرض یغمای یغماگران قدیس مآب است و هنوز ملت علی‌رغم ادعاها و دستورهای شدید از شناسایی و معرفی و محاکمه این مفسدان چیزی ندیده است. کجا رفت آن پرونده بزرگی که در مجلس باز شد و یک شبه در یک معامله پایاپای بسته شد؟

چه کسی جرات دارد پرونده واگذاری های بزرگ را به بهانه اجرای اصل ۴۴ به مراکز قدرت و نفوذ باز کند و پرده از این غارت بزرگ ملی که منجر به ایجاد انحصارهای بزرگ اقتصادی شده است، برکشد؟ چه کسی آن شجاعت را دارد که از فاجعه نبود کمترین نظارت مالی بر دستگاههای نظامی و امنیتی و نهادهای شبه دولتی که سراسر فضای اقتصادی کشور را تحت تاثیر خود قرار داده اند دم برآورد؟ و باز ملت ما سوال می کند که آیا این بود آن نظام اسلامی و عادلانه که در پی آن بودیم. شفافیت در مقابل ملت چه مشکلی ایجاد می کرد که به پنهان کاری از ملت پناه بردیم؟ آیا آن اصل طلایی شفافیت حکومت در مقابل ملت را از زبان پیر جماران یادمان رفته است که می گفت: "کاری نکنید که نتوانید به مردم توضیح دهید."

یاران عزیز راه سبز امید

یک سال از پیدایش جنبش بی نظیر سبز گذشته است و در این مدت سبزه مسافت بسیاری را در این مسیر امید طی کرده اند. به برکت دل بردن از مساعدت دولتیان و روی آوردن به خانه های خود و قبله قراردادن آنها و توسعه شبکه های اجتماعی روابط پایدار قابل اتکایی بین آحاد ملت ایجاد شده است و شبکه های پایدار اجتماعی در حیطه آگاهی های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی معجزه کرده اند. کافی است تنها به تولیدات هنری این شبکه و میزان تبادل اخبار و اطلاعات و نظر و تحلیل که به صورت کاملاً دموکراتیک جریان دارد نگاهی انداخته شود. جنبش سبز موجی از گفتگو درباره مسائل مهم و سرنوشت ساز در حوزه عمومی بین مردم ایجاد کرده که در تاریخ معاصر ما بی نظیر بوده است.

امروز بیش از همیشه تاریخ، مردم متجاوزان به حقوق اساسی ملت را می شناسند و به نقض مکرر حقوق بشر و کرامت انسانی در نظام امنیتی - قضایی کشور آگاهی دارند و می دانند تا چه اندازه تمامیت خواهان در پایمال کردن میثاق مشترک ملی به ویژه در زمینه حقوق اساسی مردم پیش رفته اند. و در عین حال علی‌رغم حوادث تلخ و گزنده و خونبار، به برکت همین تعامل و گفتگوی جمعی، عقلانیت مردم همواره بر احساسات آنان غلبه کرده است و از این رو بدخواهان با تمام تلاش هایی که کردند نتوانستند مردم آسیب دیده و کشته داده و حبس دیده را به خشونت وا دارند. مبارزه و ایستادگی از طریق مسالمت آمیز کارآمدترین اسلحه ما در مقابل گلوله ها و بانوهای برقی و چماقداران و قداره کشان بی فرهنگ و بد دهان بوده است.

توده های میلیونی ملت بزرگ امروز می بینند که چه کسانی دشمن در دست به دنبال زنان، مردان، پیران و جوانان می دوند و چه کسانی با برخورداری از فرهنگی نازل، در تظاهرات و جمع های عمومی رکیک ترین کلمات و جملات را بر زبان می آورند و مردم به جای اینها، نماهنگ های زیبا ساخته اند و پوستریهای پرمعنا به یکدیگر هدیه کرده اند و فیلم ها و عکس های بی شماری از زندگی و مبارزه مردم تهیه و پخش کرده اند و غصه ها و درد های خود را این چنین جاودانی کرده اند:

طفلی به نام شادی دیریست گم شده ست

با چشم های روشن براق

با گیسوی بلند به بالای آرزو

هرکس از او نشانی دارد

ما را کند خبر

این هم نشان ما

یک سو خلیج فارس

سوی دگر خزر*

در آغاز سال جدید صبر و استقامت، به توصیه دوستان منشوری برای هماهنگی و همدلی بیشتر و تقویت هویت مشترک جنبش سبز تهیه شده که در ادامه این مقدمه تقدیم می شود.

طبیعی است که متن پیشنهادی نتواند پاسخگوی همه سلیقه ها و مطالبات باشد. دلگرمی این همراه کوچک برای این معضل، راه حلی بود که تعدادی از رای دهندگان در آستانه انتخابات سال گذشته پیدا کردند. در زنجیره سبز میدان تجریش تا میدان راه آهن بودند کسانی که می گفتند میان بد و بدتر، بد را انتخاب می کنند و این انتخاب پیوستگی آن زنجیره محکم به یاد ماندنی را ممکن ساخت. اصلاح واقعی از همین تمیز و مسئولیت پذیری برای انتخاب این و یا آن شروع می شود.

این متن قدم اولین است و جنبش سبز در سیر تکاملی خود انشاءالله متن کاملتر و زیباتری خواهد آفرید.

”تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقين“

و آن سرای آخرت را برای کسانی قرار دادیم که خواهان برتریجویی و فساد در زمین نیستند، و فرجام نیکو از آن پرهیزگاران است.

ریشه ها و اهداف

۱- بروز انحرافات گوناگون و موانع بتدریج سازمان یافته در مسیر تحقق اهداف و آرمان هایی چون عدالت، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی که مردم به خاطر آنها انقلاب شکوهمند اسلامی را به پا کردند، ظهور گرایشهای تمامیت خواهانه در میان برخی از مسوولین حکومتی، نقض حقوق بنیادین شهروندان، بی حرمتی به کرامت انسانی، سوءمدیریت دولتی، افزایش فاصله طبقاتی و محرومیت های اقتصادی و اجتماعی، قانون گریزی بل قانون ستیزی برخی مجریان قانون، نادیده گرفتن منافع ملی و ماجراجویی های عوامفریبانه در تعاملات بین المللی، فراموشی تدریجی و دردناک اخلاق و معنویت برای قدرت عواملی است که به نضج گیری نگرش های اعتراضی در میان دلسوختگان، دردمندان و قاطبه مردم ایران در سال های اخیر انجامید که بروز بارز و نیرومند آن در جنبش سبز مردم ایران پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ جلوه کرد.

۲- جنبش سبز با پایبندی به اصول و ارزشهای بنیادین انسانی، اخلاقی و دینی و ایرانی، خود را پالایشگر و اصلاحگر روند طی شده در نظام جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از انقلاب می داند و بر این اساس حرکت در چارچوب قانون اساسی و احترام به نظر و رای مردم را وجه همت خویش قرار خواهد داد.

۳- جنبش سبز حرکتی در تداوم تلاش مردم ایران برای دستیابی به آزادی و عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی است که پیش از این در برهه هایی چون انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی خود را جلوه گر ساخته است.

۴- بازخوانی تجربه معاصر در تلاش برای تحقق اهداف والای اجتماعی مردم ایران نشان میدهد که تنها از طریق تقویت جامعه مدنی، گسترش فضای گفتگوی اجتماعی، ارتقاءسطح آگاهی و جریان آزاد اطلاعات، مشارکت موثر احزاب و تشکل ها وهمچنین زمینه پردازی برای فعالیت آزاد روشنفکران و فعالان اجتماعی-سیاسی وفادار به منافع ملی در چارچوب تحول خواهی و ایجاد تغییر در وضعیت موجود می توان اهداف جنبش سبز را عملی کرد و این امر مستلزم توافق و تاکید بر اصول حداقلی و مطالبات مشترک و ایجاد تعامل و هماهنگی میان همه نیروهایی است که علی رغم داشتن هویت مستقل با پذیرش تکرر در درون جنبش، زیر چتر فراگیر جنبش درکنار یکدیگر قرار می گیرند.

راهکارهای بنیادین

۱- جنبش سبز، یک حرکت اجتماعی فراگیر است که هرگز خود را مبری از خطا نمی انگارد و با نفی هرگونه مطلق نگری شرک آلود، بر گسترش فضای نقد و گفتگو در درون و بیرون جنبش تاکید دارد. دیده بانی سیر حرکت و تحول جنبش از سوی همه فعالان و به خصوص صاحبان اندیشه و عمل امری حیاتی است که می تواند جنبش را از لغزش به ورطه تمامیت خواهی و فساد بر حذر دارد.

۲- در نگاه فعالان جنبش سبز، مردم ایران همه خواهان ایرانی آباد سرفراز و سربلند هستند. جنبش سبز موافق تکثر و مخالف انحصارطلبی است. در نتیجه، دشمنی و کینه توزی با بدنه اجتماعی هیچ بخشی از جامعه جایی در جنبش ندارد. تلاش برای گفتگو و تعامل با رقبا و مخالفان در فضایی سالم و آگاهی بخشی درباره اهداف و اصول جنبش وظیفه همه افرادی است که خود را آگاهانه در زمره فعالان جنبش سبز می انگارند. ما همه ایرانی هستیم و ایران متعلق به همه ماست

۳- گسترش و فعال سازی شبکه های اجتماعی -واقعی و مجازی- و تعمیق فضای گفتگو بر سر اهداف و بنیان های هویتی جنبش از جمله راهکارهای محوری است که مستلزم توجه ویژه کلیه فعالان سبز است.

۴- جنبش سبز در عین تاکید مصرانه بر حفظ استقلال و مرزبندی با نیروهای غیرملی و خارجی، در جستجوی راهی منزوی همراه با دگر ستیزی نبوده و اسیر گرایشات تعصب آلود نمیشود. عدالت، آزادی، استقلال، کرامت انسانی و معنویت ارزشهای جهانی هستند و تجربه آموزی از ملتهایی که برای دستیابی به این ارزشها تلاش کرده اند و همچنین استقبال از نقد و نظر مشفقانه همه آزدیخواهان و صلح طلبانی که برای رهایی نوع بشر و کرامت انسانها تلاش می کنند از دیگر راه کارهای جنبش است.

هویت سبز

گنجینه ایرانی- اسلامی:

۱- جنبش سبز با پذیرش تکثر درون جنبش بر استمرار حضور دین رحمانی سرشار از رحمت، شفقت، معنویت، اخلاق و تکریم انسان تاکید دارد و راه تقویت ارزش های دینی در جامعه را تحکیم وجه اخلاقی و رحمانی دین مبین اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران می داند. ایجاد پیوند میان میراث ایرانی-اسلامی و شوق به توسعه و پیشرفت در جامعه، پرهیز از اکراه مردم به تقید به مرام، مسلک و رویه خاص و همچنین مبارزه با استفاده ابزاری از دین و حفظ استقلال نهادهای دینی و روحانی از حکومت تنها راه حفظ جایگاه والای دین و تداوم نقش برجسته آن در جامعه ایران است که به عنوان یکی از اصول بنیادین جنبش سبز در سرلوحه امور جای می گیرند.

۲- رمز بقای تمدن ایرانی- اسلامی همانا همزیستی و همگرایی ارزش های دینی و ملی در طول تاریخ این سرزمین است. در این راستا، جنبش سبز بر حفظ و تقویت ارزش های والای فرهنگ ایرانی و سرمایه های غنی انباشته شده در رسوم و مناسبت های ملی تاکید می ورزد و در این راه تقدس زدایی از تعصبات نابجا و آگاهی بخشی درباره ویژگی های هویت آفرین آیین های ملی و مذهبی را وجه همت خویش قرار می دهد.

۳- ملت ایران در تاریخ مبارزات خویش برای کسب آزادی و استقلال، بارها خودباوری و اتحاد بر سر اصول را به نمایش گذاشته است. جنبش سبز ملت ایران با اتکا به این میراث گرانبها و با تکیه بر خرد جمعی و نفی هرگونه خودمداری و خودخواهی در تلاش برای تحقق اهداف خویش، دستیابی به اجماع آگاهانه بر خصیصه های هویت

آفرین و کنار گذاشتن عناصر تشنتت زا را مورد نظر دارد و این امر را تنها با تکا به عقلانیتی میسر می داند که حاصل جمع خردهای مختلف و مبتنی بر نظام عقلانیت توحیدی باشد.

۴- جنبش سبز جنبشی ایرانی- اسلامی است که در جستجوی دستیابی به ایرانی آباد، آزاد و پیشرفته است. بر این اساس، هر فرد ایرانی که توسط به خرد جمعی توحیدی را به عنوان مبنای تلاش برای ایجاد فردای بهتر برای میهن خویش بپذیرد در زمره فعالان جنبش سبز به شمار می آید. جنبش "ایران را متعلق به همه ایرانیان می داند".

حق حاکمیت مردم

۱- حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از جمله اصول خدشه ناپذیر جنبش سبز است و نهاد انتخابات به عنوان مناسب ترین شیوه تحقق این اصل مدنظر این جنبش قرار می گیرد. براین اساس، جنبش سبز تلاش های خود برای صیانت از آرای مردم را تا زمان استقرار نظام انتخاباتی آزاد، رقابتی، غیرگزینشی و منصفانه که شفافیت و سلامت آن کاملاً قابل تضمین باشد، ادامه خواهد داد.

رای و خواست مردم منشا مشروعیت قدرت سیاسی است و جنبش سبز اعمال هر گونه صلاحیت خودسرانه و گزینشی تحت عنوان نظارت استصوابی را مغایر با قانون اساسی، حق تعیین سرنوشت مردم و حقوق بنیادین آنها دانسته و با آن مبارزه میکند.

۲- دستیابی به اهدافی چون آزادی و عدالت تنها بر پایه توجه به منافع ملی و حفظ استقلال میسر است. جنبش سبز با آگاهی از این امر، نسبت به هر اقدامی که برخلاف منافع ملی و ناقض اصل استقلال باشد مبارزه می کند و این مسئله را در زمره موازین محوری خویش می داند.

ارزش های جنبش سبز

کرامت انسان ها و پرهیز از خشونت

۱- نخستین ارزش اجتماعی مدنظر جنبش سبز دفاع از کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر فارغ از ایدئولوژی، مذهب، جنسیت، قومیت و موقعیت اجتماعی است. استقرار و تضمین موازین حقوق بشر به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای بشری و حاصل خرد جمعی همه انسانها مورد تایید و تاکید جنبش سبز است. این حقوق خدادادی است و هیچ فرمانروا، دولت، مجلس یا قدرتی نمی تواند آنها را لغو یا به صورت ناموجه و خودسرانه محدود کند. تحقق این امر مستلزم احترام به اصولی چون برابری، مدارا، گفتگو، حل مسالمت آمیز مناقشات و صلح طلبی است که خود در پرتو ایجاد زمینه های لازم برای فعالیت آزاد رسانه های مستقل، جلوگیری از سانسور، دسترسی آزاد به اطلاعات، گسترش و تعمیق جامعه مدنی، احترام به حریم خصوصی افراد، فعالیت آزادانه شبکه های اجتماعی غیر دولتی و اصلاح قواعد و مقررات در جهت حذف هرگونه تبعیض میان شهروندان امکان پذیر است.

۲- جنبش سبز یک جنبش مدنی است که پرهیز از خشونت و حرکت در چارچوب موازین مبارزه مدنی را سرلوحه خویش قرار می دهد. این جنبش با اعتقاد به اینکه "مردم" تنها قربانی خشونت در هر زمینه ای خواهند بود، گفتگو، مبارزه مسالمت آمیز و توسط به راهکارهای غیر خشونت آمیز را ارزشی خدشه ناپذیر می داند. جنبش سبز با توجه به شرایط و مقتضیات، از کلیه ظرفیتهای مبارزه مسالمت آمیز استفاده خواهد کرد.

عدالت، آزادی و برابری

۳- عدالت جایگاه والایی در میان ارزش ها و آرمان های جنبش سبز به خود اختصاص می دهد. توزیع عادلانه امکانات، چه در بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و چه در ابعاد دیگر حیات انسانی از جمله اهداف خدشه ناپذیر جنبش سبز است که لازم است برای دستیابی به آن، تمامی تلاش های ممکن انجام شود.

گسترش عدالت در جامعه تنها در صورتی امکان پذیر است که نظام حاکم بر کشور - در عرصه داخلی و خارجی- کاملاً مستقل و فارغ از وابستگی به نهادها و قدرت های سیاسی، طبقاتی و اقتصادی عمل کند و بتواند توسعه اقتصادی و ترقی کشور را به نحوی که رفاه و عدالت اجتماعی برای همه مردم ایران فراهم شود، تضمین کند.

۴- جنبش سبز با عنایت به لزوم تامین خواست ها و مطالبات به حق تمامی اقشار و طبقات اجتماع، بر پیوند با اقشار متوسط و کم درآمد اجتماع -که در برابر فشارهای اجتماعی/سیاسی ضعیف تر هستند- تاکید دارد. این جنبش با الهام از اصل نهم قانون اساسی، با سلب حقوق اساسی مردم به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور مخالف است و با تاکید بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، یگانه راه حفظ منافع ملی و دفاع از مرزهای میهن را "حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش" در تمامی ابعاد می داند.

۵- برقراری آزادی و برابری از اهداف انکارناپذیر انقلاب اسلامی است که جنبش سبز نیز بر ضرورت دستیابی به آن تاکید دارد. نفی هرگونه انحصار فکری، رسانه ای و سیاسی و همچنین مبارزه با حذف فیزیکی هر اندیشه و دیدگاه در سرلوحه اهداف جنبش سبز قرار دارد. ضروری است در این جهت، برای رهایی مردم از هرگونه سلطه سیاسی (استبداد و انحصار طلبی)، اجتماعی (تبعیض و نابرابری های اجتماعی) و فرهنگی (وابستگی و تقلید فکری) تلاش شود. جنبش سبز بر حمایت از حقوق زنان، نفی هرگونه تبعیض جنسیتی و حمایت از حقوق اقلیتها و اقوام تاکید ویژه دارد.

۶- جنبش سبز بر این باور است که امنیت تنها امنیت دولت نیست، امنیت انسانی تک تک شهروندان ایرانی است. امنیت برای آحاد مردم باید برقرار شود تا آزاد از ترس و رها از نیاز تحت حمایت قانون زندگی کنند. مداخله نیروهای نظامی و انتظامی در امور سیاسی، هر گونه دخالت افراد غیر مسول در امور انتظامی و سلطه نیروهای امنیتی و انتظامی بر مقامات قضایی مخل امنیت دولت و ملت است. استقلال قوه قضاییه، عدم مداخله نیروهای نظامی در امور سیاسی و اقتصادی و برخورد با سازمان دهندگان و اعضای گروههای موسوم به لباس شخصی از خواسته های جدی جنبش سبز است.

۷- اجرای تمامی اصول قانون اساسی و به ویژه اصول ناظر بر حقوق ملت (فصل سوم) هدف و خواست تجدیدناپذیر و حتمی جنبش سبز است.

۸- آزادی زندانیان سیاسی، رفع محدودیت های غیر قانونی و نگاه امنیتی علیه فعالیت احزاب و گروهها و جنبش های اجتماعی چون جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش های کارگری، جنبش های اجتماعی و امثال آن، و همچنین محاکمه عادلانه آمران و عاملان تقلب در انتخابات، شکنجه و کشتن معترضان به نتیجه انتخابات، و افشاء و محاکمه نظریه پردازان و حامیان خشونت در لایه های مختلف حکومت از راهکارهای روشنی است که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد.

اخلاق مداری و احترام به خلاقیت های فردی و اجتماعی

۱- با کمال تأسف باید اذعان کرد که اتخاذ سیاست های نادرست سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از سوی حاکمان به افول اخلاق و تنزل سطح سرمایه اجتماعی در جامعه منجر شده است. جنبش سبز با تاکید بر ضرورت احیای اخلاق به مثابه فصل مشترک و پیوند دهنده حیات اجتماعی مردم ایران، در مبارزات خود برای اجرای حقوق ملت، کاملاً نسبت به اصول اخلاقی پایبند خواهد بود.

۲- جنبش سبز را نه می توان یک حزب متمرکز دانست و نه مجموعه ای از افراد سازمان نیافته و بی هدف. مرور تجربه تاریخی مردم ایران نشان می دهد که آنها همواره و در بزنگاه های تاریخی، هوشیاری، توانایی و درک

والای خویش را به منصف ظهور رسانده اند و با تکیه بر قوای خلاقه خویش، راه را برای دستیابی به اهداف خود هموار ساخته اند.

جنبش سبز بر پایه اصول و مبادی بنیادین خود، با تکیه بر شبکه های اجتماعی بر فهم، اندیشه و نوآوری های مدنی ملت ایران تکیه دارد و دستیابی به آرمان هایی چون عدالت و آزادی را به شکوفایی این خلاقیت ها منوط می داند. شعار "هر ایرانی، یک ستاد" اینک می تواند به شعار "هر ایرانی، یک جنبش" تبدیل شود.

قانون گرایی و مذاکره

۱- جنبش سبز با پیگیری اهداف و آرمان های همیشگی انقلاب اسلامی و با اتکا به بازخوانی انتقادی تحولات صورت گرفته پس از انقلاب - به خصوص در عرصه روابط ملت و دولت- برپایه میثاق مشترک مردم ایران یعنی قانون اساسی، در پی دستیابی به آینده ای روشن برای ملت ایران است.

۲- در این راستا، "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" راهکار اصلی و بنیادین جنبش سبز است. این جنبش بر این باور است که تنها با بازگشت به قانون و الزام نهادهای مختلف به رعایت آن و برخورد با متخلفان از قانون در هر موقعیت و جایگاه، می توان از بحران های مختلفی که دامنگیر شده است رهایی یافت و در راه ترقی و توسعه میهن گام برداشت. جنبش سبز در عین حال کاملاً توجه دارد که قانونگرایی به معنای استفاده ابزاری از قانون توسط حاکمان نیست. باید شرایطی فراهم آورد تا قانون وسیله اعمال خشونت های ناروا و موهن، نقض حقوق بنیادین شهروندان قرار نگیرد و خشونت، بی عدالتی و تبعیض قانونی نشود.

۳- قوانین کشوری و از جمله قانون اساسی متونی همیشگی و تغییر ناپذیر نیستند. هر ملتی این حق را داراست که با تصحیح سیر حرکتی خویش، به اصلاح در قوانین جاری اقدام کند. اما باید توجه داشت که تنها تغییر و اصلاحی در قانون اساسی مورد پذیرش است که در فرایند مذاکره و گفتگوی اجتماعی و با مشارکت همه اقشار و گروه های اجتماعی و با پرهیز از تصلب و انحصارگرایی و زورگویی صورت پذیرد.

۴- گسترش جامعه مدنی و تقویت حوزه عمومی در زمره اصول اساسی جنبش سبز است. این جنبش بر این باور است که حفظ منافع ملی و دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی و همچنین کاستن از تبعات ناخوشایند بحران موجود مستلزم مذاکره و گفتگو میان نمایندگان گروه های مختلف فکری و سیاسی است و در این راستا از هرگونه دعوت به مذاکره و گفتگوی شفاف به منظور دفاع از حقوق مردم و حل منازعات اجتماعی استقبال می کند.

۵- این جنبش خواهان قدرت بخشی به اقتصاد کشور در صحنه بین المللی و سرمایه گذاری و افزایش قدرت خرید مردم ایران است. جنبش سبز خواهان سیاست خارجی عقلانی و عزتمند مبتنی بر تعامل شفاف و سازنده با دنیا و طرد دیپلماسی ماجراجویانه و عوام فریبانه و ارتقاء شان ملت بزرگ و تاریخی ایران در جهان است.

همراه کوچک جنبش سبز

میرحسین موسوی

* استاد شفيعی کدکنی